

بررسی برداشتهای روانشناسان از

ماهیت انسان

مؤلف: دکتر مختار ویسی



سرشناسه :	ویسی، مختار، ۱۳۴۵ -
عنوان و نام پدیدآور :	بررسی برداشت‌های روانشناسان از ماهیت انسان / تألیف مختار ویسی.
مشخصات نشر :	تهران: سخنوران، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری :	۱۳۴ ص
شابک :	۷۰۰۰۰ ریال ۴-۴۵-۷۴۵۹-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی :	فیا
موضوع :	
موضوع :	
رده بندی کنگره :	
رده بندی دیویی :	
شماره کتابخانه ملی :	



کارگر شمالی، بعد از ادو دیراون، شماره ۱۴۰۷، طبقه اول

تلفن: ۰۹۱۹۳۶۱۶۶۱۳ - ۰۶۴۰ ۶۳۰۶

Sokhanvaran@yahoo.com

عنوان کتاب :	بررسی برداشت‌های روانشناسان از ماهیت انسان
مؤلف :	دکتر مختار ویسی
ناشر :	سخنوران
صفحه‌آرا و طراح جلد :	سخنوران
سال و نوبت چاپ :	۱۳۹۳ - اول
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
شابک :	۴-۴۵-۷۴۵۹-۶۰۰-۹۷۸
مرکز پخش :	۰۹۱۹۳۶۱۶۶۱۳
قیمت :	۷۰۰۰۰ ریال

حق چاپ محفوظ است.

فهرست مطالب

۷.....	مقدمه
۱۳.....	برداشت‌ها یا مفروضه‌های اساسی
۱۳.....	مربوط به ماهیت انسان
۱۷.....	گفتار اول
۱۷.....	آزادی - جبرگرایی
۲۹.....	گفتار دوم
۲۹.....	منطقی بودن - غیر منطقی بودن
۳۵.....	گفتار سوم
۳۵.....	کل‌نگری - جزء نگری
۳۹.....	گفتار چهارم
۳۹.....	سرشت‌نگری - محیط‌نگری
۴۷.....	گفتار پنجم
۴۷.....	تغییرپذیری - تغییرناپذیری
۴۹.....	گفتار ششم
۴۹.....	ذهنیت - عینیت

گفتار هفتم.....	۵۳
درون کنشی - برون کنشی.....	۵۳
گفتار هشتم.....	۵۹
تعادل حیاتی - تعادل برتر.....	۵۹
گفتار نهم.....	۶۷
شناخت پذیری - شناخت ناپذیری.....	۶۷
گفتار دهم.....	۷۳
خوش بینی - بدبینی.....	۷۳
گفتار یازدهم.....	۸۷
گذشته - حال.....	۸۷
گفتار دوازدهم.....	۱۰۱
بی‌همتایی - شباهت‌ها.....	۱۰۱
خلاصه و نتیجه‌گیری.....	۱۰۹
فهرست منابع.....	۱۱۱

مقدمه

علم روان‌شناسی تا قبل از قرن نوزده به طور رسمی بخشی از فلسفه بود. تا اینکه از سال ۱۸۷۹ با تأسیس اولین آزمایشگاه علمی توسط وونت در لایپزیک آلمان، به ظاهر با فلسفه قطع ارتباط کرد و به جرگه علوم طبیعی پیوست و به عنوان علمی مستقل با روش‌های علوم طبیعی برای تحقیق درباره پدیده‌های روانی به مطالعات پرداخت. از این زمان نظریه پردازان شخصیت به صورت علمی با سنت دو جریان فکری متفاوت و با موضوع، روش و جهت‌گیری‌های خاص خود مطالعه مربوط به ماهیت انسان را آغاز کردند. یک سنت با تأکید بالینی به بررسی تمامیت انسان می‌پرداخت و از این طریق به بررسی، تفاوت‌های فردی و ارتباط بین اجزاء یک کل، تأکید می‌کرد، نظریه پردازانی مانند: زیگموند فروید، آلفرد آدلر، کارل یونگ، و کارل راجرز، برای ساختن نظریه‌هایی درباره رفتار انسان عمدتاً بر مشاهدات بالینی متکی بودند. در حالیکه جریان یا سنت دیگر با استفاده از روش آزمایشی، برای فهم رفتار انسان به تحقیقاتی روی آورد، که متکی به ابزارهای تحقیق علمی و روش علمی بود. یعنی در شرایط

آزمایشی برای بررسی جنبه‌ی بی‌عملکرد انسان رویدادهایی را به وجود می‌آورد که متکی بر نظارت متغیرها بود. ما حاصل این دو جریان پیدایش رویکردها و نظام‌های متفاوتی بود که برای بررسی مسائل روان‌شناختی و مطالعه طبیعت انسان، نظریاتی فلسفی را جمع به ماهیت انسان ارائه دادند.

در این راستا تلاش‌های بیشماری برای پاسخ به این سؤال که آدمی چیست؟ صورت گرفت. مطمئناً این سؤال یکی از مهمترین پرسش‌ها است که ما برای همه افراد مطرح می‌کنیم زیرا خیلی از امور به تصویری که ما از طبیعت انسان داریم، بستگی دارند؛ اینکه ما باید چه چیزی انجام دهیم یا ندهیم، برای رسیدن به چه اموری باید امیدوار باشیم و بالاخره غایت و هدف از زندگی چه باید باشد، همگی از برداشتی که ما نسبت به طبیعت واقعی یا حقیقی انسان داریم، عمیقاً متأثرند (استرن، ۱۳۶۸: ۹). در گذشته‌های دور تمام متفکرین مفروضه‌های حینی درباره ماهیت انسان مطرح کرده‌اند. نظریه پردازان شخصیت نیز از این قاعده مستثنا نبوده‌اند. فرض‌هایی که افراد درباره ماهیت انسانی می‌پروراندند، به احتمال کلی ریشه در تجربه‌های شخصی

آنان دارد. این مفروضه‌ها عمیقاً شیوه‌ای را که یک نفر از طریق آن دیگری را درک کرده، با او رفتار نموده - و در مورد روانشناسان شخصیت - نظریه‌هایی در مورد وی می‌سازد، تحت تأثیر قرار می‌دهد. این احتمال وجود دارد که خود مفروضه‌ها نیز کاملاً تشخیص داده نشود، چه فرد شخصیت شناس باشد چه نباشد (ریل و بکسلر، ۱۳۷۹: ۱۶).

نظریه‌های روانی که در این راه توسط نظریه پردازان شخصیت درباره طبیعت ماهی آدمی، بوجود آمدند اغلب با هم در تعارض اند. یکی از آخرین دلایلی که یک پاسخ صریح به این پرسش را دشوار می‌سازد، تصور یا برداشتی از ماهیت انسان است که نگرش هر نظریه پرداز را نسبت به زندگی نشان می‌دهد. اصولاً هر نظریه پردازی چشم انداز خاصی در بار شخصیت دارد که متأثر از شخصیت، پیشینه، ارزش ها، تجربیات، گرایش نظری، فلسفه زندگی، روابط میان فردی، جنسیت، آموزش، تحصیلات و دیدگاه منحصر به فرد او نسبت به دنیا است.

از سوی دیگر، برداشتی است که هر نظریه پرداز از ماهیت

انسان دارد به تعدادی از سؤال‌های بنیادی دربارهٔ سرشت انسان (که هنوز هم مطرح هستند) مربوط می‌شود، سؤال‌هایی که با ویژگی اصلی انسان ارتباط پیدا می‌کنند (شولتز، ۳۷). در یک نگاه می‌توان نظریه‌های شخصیت را که به بررسی این مفروضه‌ها می‌پردازند، در دو دسته کلی قرار داد: نظریه‌های فلسفی و نظریه‌های مادی. دسته اول نظریاتی هستند که ریشه در فلسفه دارند، به گونه‌ای که بسیاری از مفاهیم آن امروز در رویکردهای روان‌شناسی معاصر نیز به چشم می‌خورد. این مفاهیم در شکل‌گیری و رشد و تحول نظریه‌های شخصیت بسیار تأثیر گذار بوده است. در مقابل دسته دوم، نظریاتی هستند که هستی را با ماده مساوی می‌پندارند، یعنی فقط بر بعد مادی انسان تأکید می‌کنند و جنبه غیرمادی انسان را انکار می‌کنند، یا دست کم آن را نادیده می‌انگارند. بنابر این در تحول نظریه‌های شخصیت در غرب به روشنی نمایان است، یکی مسیر ذهن است که به صورت "ذهن" دوگانه نگرانه مطرح است. مبانی نظری این نظریات فلسفه است، زیرا این نظریات بر اساس گمانه‌زنی فلسفی و عقل سلیم

استوارند تا تحقیقات علمی. دوم مسیر بدن است که - به صورت "عینی - طبیعی" است، که در آن فیزیولوژی، و علوم زیستی، دانش مربوط به ماهیت انسان را فراهم ساخته است. برای مثال، آراء افلاطون یکی از سرچشمه‌های اصلی «دوگانه‌انگاری»^۱ را دربارهٔ انسان تشکیل می‌دهد. او بر این باور است که روح^۲ یا ذهن^۳، فنا پذیر است که قبل از تولد بطور همیشگی وجود داشته و پس از مرگ برای همیشه وجود خواهد داشت (استیونس، ۱۳۶۸: ۴۱). در مقابل، اسکینر پیشنهاد می‌کند مطالعهٔ تجربی رفتار آدمی، تنها راه رسیدن به نظریه‌ای واقعی دربارهٔ ماهیت انسان است. بنابراین، طبیعی است که او هر گونه ثنویت متافیزیکی را رد می‌کند (استیونس، ۱۳۶۸: ۶۲ و ۱۵۴).

هدف اصلی این کتاب بررسی مفروضهٔ جدایی است که نظریه پردازان شخصیت دربارهٔ ماهیت انسان مطرح کرده‌اند. زیرا برداشت‌های متفاوتی که از طبیعت انسان توسط نظریه پردازان ارائه شده‌اند، امکان مقایسهٔ معناداری را بین دیدگاه‌های آنها

1. Dualism

2. Soul

3. Mina

فراهم می‌کند. این برداشت‌ها چارچوب‌هایی هستند که به کمک آنها نظریه پردازان، خودشان و دیگران را ادراک می‌کنند و براساس آنها نظریه‌های خود را بنا می‌نهند. درست همان طوری که رفتار فرد، تحت تأثیر نظریه شخصی درباره ماهیت انسان قرار دارد، سیر روان‌شناسی نیز از برداشت‌های روان‌شناسان درباره ماهیت انسان اثر می‌پذیرد (شولتز: ۳۸).